



چطور در کار و رشته تحصیلی مان موفق شویم و پیشرفت کنیم؟

اگر فقط یک جمله یا پیشنهاد باشد که بخواهم در پاسخ به این سوال بگویم آن این است که: برو و ارزش خلق کن. فقط در این صورت است که دیده می‌شوی، متمایز می‌شوی، ماندگار می‌شوی، آدم‌ها تو را می‌بینند و در نتیجه در سازمان یا کسب‌وکار ت پیشرفت می‌کنی. ارزش خلق کن؛ همین!

از خودت بپرس من در کار فعلی‌ام در حال خلق چه ارزشی هستم؟ کدام فعالیت از جانب من دارد برای آدم‌ها مفید واقع می‌شود. مردم خدمات مرا به خاطر کدام ارزشی که دارم خلق می‌کنم می‌خواهند و دنبال می‌کنند؟ پاسخ این سوالات می‌تواند فعالیت و عملکرد تو را دگرگون کند.

فقط زمانی می‌توانی ارزش خلق کنی که بدانی مزیت رقابتی تو چیست؟ تو اساساً چه ارزشی می‌توانی خلق کنی، و چه ارزشی باید خلق کنی. زمانی که پاسخ این دو سوال را بدانی روی خلق ارزش برخاسته از هویت خودت متمرکز می‌شوی، و این همان چیزی است که احدی نمی‌تواند با تو بر سرش رقابت کند. چون مال توست، چون اساساً کس دیگری – غیر از تو – نه که نخواهند، «نمی‌تواند» آن ارزش را خلق کند. به طور مثال هیچ دروازه بانی در فوتبال نمی‌تواند پرتاب دست بلند داشته باشد و با دست توپ را تا زمین حریف پرتاب کند. اما دروازه بان تیم ملی ایران این توانایی را دارد و ارزشی خلق کرده که حتی بهترین های جهان این ارزش را ندارند. هر طلبه نیز بایست اینگونه باشد و ارزش های منحصر به فرد خود را خلق کند. همانند طلابی که در حال حاضر مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم با ارزش های منحصر به فردی که خلق کرده اند در حال خدمت به جامعه و مردم هستند.

تو چه ارزشی خلق می‌کنی؟ بسم الله... در کامنت‌ها و نظرات برایم از ارزش‌هایی که خلق کرده‌اید یا می‌کنید بنویسید (هرچند کوچک)

خودم شروع می‌کنم: من در حوزه علمیه با توجه به دانشی که کسب کرده ام تلاش می‌کنم طلاب را با توجه به استعداد و شناخت شخصیتی که از آنها کسب می‌کنم، راهنمایی کرده و رشته و شغل متناسب با خودش را به او معرفی کنم.

پیشرفت با راحت‌طلبی قابل جمع نیست

سفر توسعه فردی سفر تن‌پروران و نرم‌دلان و راحت‌طلبان نیست.

تعهد و مداومت لازمه این مسیر است و تعهد و مداومت فقط از کسی برمی‌آید که ارزش‌های شخصی‌اش را می‌شناسد، اولویت‌هایش را مشخص کرده است و هدفی روشن و ملموس دارد، هدفی که «خودش» متناسب با شور و شوق و تمایلات درونی و عمیق خودش و برخاسته از ارزش‌های عمیق شخصی‌اش تعیین کرده است، نه خواست‌ها و توقعات بیرونی، که این‌ها بندها و قیدهایی هستند که همگان را به خط می‌کنند، همگان را یک شکل و یک جور می‌خواهند. اما تو، باید «تو» بشوی، تو باید «خودت» را آزاد کنی.

فقط اینگونه است که حسرت نخواستی خورد و در طول مسیر سربلند خواهی بود.

ممنون از همراهی شما

منتظر نظرات، انتقادات و پیشنهادات خوبتان هستیم

برای مشاهده دیگر مقالات انگیزشی کلیک کنید